

## ابراهیم رحمانی



جناب ابراهیم رحمانی در سال ۱۳۰۴ شمسی در شهر فردوس که از قلم اعلیٰ به فاران تسمیه شده، دیده به جهان گشود. ایام طفولیت و نوجوانی را در همان شهر تحت سرپرستی پدر خود، جناب شاه خلیل الله، گذراند. جناب شاه خلیل الله در معیت پدر خود، جناب محمدبیگ، به شرف لقای موعود امم در سجن اعظم نائل آمده بود و بعدها افتخار زیارت حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربّانی را یافت. قریب یکصد لوح از کلک اطهر جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله به افتخار جناب شاه خلیل الله عزّ نزل یافت. این عائله ی مبارک در جنوب خراسان و فاران بر اثر درایت و کفایت و سفره داری و سخاوت از اعتبار و شهرت خاصی برخوردار بودند. جناب ابراهیم رحمانی در سنّ هفده سالگی به اتفاق پدر به حضور حضرت ولیّ امرالله مشرف شد. در روز وداع هیکل مبارک این جوان پر شور را مخاطب نموده اظهار داشتند: « شما در آینده موفق به انجام خدمات بین المللی خواهید شد.»

جناب رحمانی در بیست سالگی با دوشیزه نورسته مفیدی در فردوس ازدواج نمود و برای انجام تحصیلات عالیّه رهسپار طهران شد و در رشته ی علوم طبیعی از دانشسرای عالی فارغ التحصیل گردید. سپس به فردوس مراجعت کرد و به عضویت محفل روحانی انتخاب شد. مردم متعصب با دسته بندی و تحصن در تلگرافخانه خواستار تبری از امر مبارک و یا اخراج او از فردوس شدند. لذا در سال ۱۳۳۰ به اتفاق همسر و فرزندان به فریمان رفت و سپس به مشهد منتقل گردید.

جناب ابراهیم رحمانی دو سال در اهواز و سپس قسمت اخیر حیات خود را در طهران گذراند. در سال ۱۹۷۸ در حادثه ی آتش سوزی و انهدام منازل احبّاء در سعیدیه ی شیراز بنا بر امر محفل مقدّس ملّی بهائیان ایران به آن منطقه مسافرت نمود و با فرد فرد احبّای ستمدیده ملاقات نمود، از منازل منهدم شده عکس و اسلاید تهیه کرد و آمار دقیق از خسارت وارده را طی شرح جامعی به معهد اعلیٰ گزارش نمود. به علت حملات شدید مذهبی بر ضدّ جامعه ی مظلوم بهائی و نگرانی افراد

احبًا، جناب رحمانی به اتفاق برخی از یاران به بسیاری از شهرهای ایران بنا به دستور محفل ملی مسافرت نمود و با زیارت آثار و الواح و توزیع کتب و جزوات به تقویت روحیه ی احبًا کمک نمود و آنان را به تأییدات غیبیه ی الهی مطمئن ساخت. در این زمان بود که به عضویت محفل مقدس ملی ایران انتخاب گردید و پا به پای سایر اعضای آن محفل جلیل جان بر کف به تلاش خستگی ناپذیر خود ادامه داد. در خارج از جلسات محفل ملاقات هایش با سران متعصب دولت جمهوری اسلامی، دفاع از حقوق مسلوبه ی یاران، ردّ اتهامات ناروا در قم و طهران با چنان شهامت و جسارتی انجام می گرفت که باعث حیرت همگان بود.

خانم ژینوس محمودی شور و حال او را در جلسات محفل چنین گزارش نمود: «...رجل ارض خاء محفل ابراهیم خان رحمانی نام مستعارش فارانی بود... همیشه برای هر بحثی قصّه ای و داستانی و نقلی از تاریخ و زندگی خود و احبّای خراسان در چنته داشت... خیلی دقیق بود و به اصول مدیریت وارد، دائماً برنامه تهیه می کرد و طرح می ریخت و جدول و فرم تهیه می نمود... خلاصه نویس نبود اما وقایع نگار بود. کلیه ی وقایع را یادداشت می کرد تا تاریخ مدون از آنها به یادگار بماند.»

بیت العدل اعظم او و سایر اعضای اولین محفل روحانی ملی ایران که در تاریخ سی ام مرداد ماه ۱۳۵۹ (بیست و یکم آگست ۱۹۸۰) ربوده شدند، شهید اعلام فرمودند. این شهادت منتهی به اشتها امر الهی در سطح جهانی شد و بیان حضرت ولیّ امرالله مبنی بر انجام خدمات بین المللی او تحقّق پذیرفت.

چهار فرزند ایشان شهناز، مهناز، شاه خلیل الله و میثاق و نواده های آن بزرگوار نودر و نوژن و سینا و سهیل همگی در ظلّ امرالله، ثابت بر عهد و پیمانند.

همسر ایشان خانم نورسته رحمانی در تحمل بلایا و استقامت و ایمان نمونه ی کامل شهید زنده ای هستند که با فداکاری همواره مشوق و حامی و ناصر همسر و اینک با توکل و تفویض و تسلیم و توسّل به ذیل دعا و مناجات سرمشقی برای فرزندان و عموم منسوبان و دوستان به شمار می آیند. تلخیص از نوشته ی جناب آقای دکتر منوچهر مفیدی.

پروازها و یادگارها، صفحه ۳۶، تألیف ماه مهر گلستانه.

[www.Vaselan.org]